

خفن ترین کتاب ماکز!

Gabriel García Márquez was a Colombian novelist,

گابریل گارسیا مارکز، رمان نویس

screenwriter,

فیلمنامه نویس

short-story writer,

نویسنده‌ی داستان کوتاه

and journalist,

و خبرنگار کلمبایی بود.

He was known as Gabo or Gabito

او در آمریکای لاتین

throughout Latin America.

به گابو یا گابیتو معروف بود.

His novel One Hundred Years of Solitude

رمان صد سال تنهایی ش

attracted the world's attention

توجه جهان رو به

to the Latin American literature.

ادبیات آمریکای لاتین جلب کرد.

One Hundred Years of Solitude

صد سال تنهایی

has been translated to 46 living languages

از زمانیکه برای اولین بار در سال ۱۹۶۷ چاپ شد

since it was first published in 1967

به ۱۴۶ زبان زنده‌ی دنیا ترجمه شده

and sold more than 50 million copies.

و بیش از ۵۰ میلیون نسخه ازش فروخته شده.

One Hundred Years of Solitude is known as a

صد سال تنهایی به

masterpiece in magic realism genre

شاهکار در سبک رئالیسم جادویی معروفه

this genre is made from fabulous stories

این سبک، از داستان‌های افسانه‌ای

coming from the normal flow of life.

برگرفته از جریان عادی زندگی، ساخته میشه.

People always admire my ingenuity,

مردم همیشه نبوغ و ابتکار من رو تحسین میکنن

but I think I'm an unavailing realist.

اما من فکر میکنم من یه واقع‌گرای بی‌مصرف هستم.

All the things I create

تمام چیزهایی که من خلق میکنم

had existed before in the reality.

قبلا در واقعیت وجود داشتند.

One Hundred Years of Solitude

صد سال تنهایی

is the story of seven generations

داستان ۷ نسل

of the Buendía Family in the town of Macondo.

از خانواده‌ی بوندیا در شهر کوچک ماکوندو هستش.

A family that its patriarch,

خانواده‌ای که رئیسش

José Buendía was the founder of that town.

خوزه بوئندیا، بنیانگذار اون شهر بود.

Many readers consider the story

بسیاری از خواننده‌ها داستان رو

to be similar to the genesis journey in The Bible,

شبيه به "سیر تکوین" در انجیل میدونن

because at the beginning of the story

چون در ابتدای داستان

everything is so pristine and unspoiled

همه چیز اونقدر تازه و بکره

that doesn't even have names,

که حتی اسم هم نداره

It's like Adam in heaven.

مثل آدم تو بهشته.

Then in the middle of the story

بعد در اواسط داستان

problems like wars unfold.

مشکلاتی مثل جنگ نمود پیدا میکنن

And then Doomsday...

و بعدش هم روز قیامت...

When Gabriel García Márquez was a child

وقتی گابریل گارسیا مارکز بچه بود

he lived with his grandparents for 10 years

به مدت ۱۰ سال با پدربزرگ مادربزرگش

in a village named Aracata,

در دهکده‌ای به نام آراکاتا زندگی میکرد

so it seems that the village in the story

پس به نظر میاد دهکده‌ی توی داستان

is the same village,

همون دهکده‌ست

and the character of the Colonel Buendía

و شخصیت سرهنگ بوئندیا

is based on his grandpa's character

بر اساس شخصیت پدر بزرگش

and Úrsula, Buendía's wife

و اورسلا، همسر بوئندیا

is based on his grandma's character.

بر اساس شخصیت مادر بزرگش ساخته شده.

Well... You know,

خب... میدونی

It's Gabo's birthday today!

امروز تولد گابوست!

Have you read this book before?

قبلا این کتاب رو خوندی؟

If not, you may want to read it



اگه نه ، ممکنه بعد از دیدن این ویدئو

after you finished watching this video...

بخوای بخونیش...

Well, it's on Zabanshenas app!

خب، تو اپلیکیشن زبانشناس هست!

So click on Zbook

پس روی زیبوک کلیک کن

go through the novels

برو بین رمان ها

and find One Hundred Years of Solitude.

و صد سال تنهایی رو پیدا کن.

Thanks for joining me today!

ممنون که امروز همراهم بودین!

Bye for now!

فعلا خدا حافظ!